



تاریخ انتشار: ۲۷ مهر ۱۳۹۶ - ۱۵:۰۶ - October 2017 19

کد خبر: ۶۲۹۷

فقه سیاسی/ استاد ایزدهی/ جلسه 1 (95-96)

اطاعت از ولی فقیه مستند به قرآن است

وسائل - حجت الاسلام والمسلمین ایزدهی با بررسی آیه شریفه 59 از سوره نساء و احتمال دلالت آن بر لزوم اطاعت غیر مسلمانان در جامعه اسلامی از حاکم مشروع پرداخت و در ضمن بحث، با اشاره به لزوم اطاعت همگانی از ولی فقیه منتخب خبرگان گفت: عدم اطاعت از ولی فقیه حتی برای فقیه خبره نیز جایز نیست؛ ولو اینکه این عدم اطاعت براساس تشخیص قطعی و مستند به خبریت باشد.

به گزارش خبرنگار پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل، حجت الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی روز چهارشنبه بیست و هشتم مهرماه 1395 در اولین جلسه درس خارج فقه سیاسی در مدرسه عالی فیضیه قم با ورود به بحث خطابات قرآنی و با بررسی احتمالات وارده پیرامون خطاب آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» مطالبی در بیان لزوم اطاعت از حاکم اسلامی بیان داشت که ژزیده ای از آن در پی می آید.

1. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اگرچه مخاطب آن به حسب ظاهر گروه مؤمنین است لیکن بنا به ادله ای می توان ادعا کرد غیر مؤمنین نیز مخاطب آن هستند و از این رو نه تنها اهل ایمان بلکه آحاد افراد جامعه اسلامی اعم از مسلمان و غیر مسلمان موظف به اطاعت از حاکم اسلامی هستند.

2. اگر شمول حکم اطاعت از حاکم اسلامی نسبت به غیر مؤمنین پذیرفته نشود و خطاب آیه شریفه را تنها متوجه اهل ایمان بدانیم لازمه آن عدم التزام غیرمسلمانان به فرامین حکومتی است و این امر هرج و مرج اجتماعی را نتیجه می دهد؛ مگر اینکه با تمسک به یکی از دو قاعده زیر التزام کفار نیز نتیجه گرفته شود:

الف. قاعده تغلیب؛ چون در جامعه ایمانی غالب افراد مؤمن هستند از این رو آیه شریفه اهل ایمان را در خطاب خود غلبه داده است با اینکه مراد، کل جامعه بوده است.

ب. قاعده اشتراک؛ عموم شهروندان یک جامعه همچنانکه در حقوق اجتماعی مشترک و برابر هستند از حیث تکالیف حکومتی - اجتماعی نیز مشترک هستند و ناگزیر می بایست مخاطب به یک قانون واحد و تحت حاکمیت یک حاکم باشند؛ از این رو حکمی که برای اکثریت صادر می شود برای اقلیت نیز معتبر و لازم الاجراست.

ج. چنانکه پیش از این گفته شد هر گاه حاکمیت یک حاکم به جامعه مستند شد آحاد افراد جامعه فارغ از هر بینش فکری عقیدتی ملزم به اطاعت از حاکم هستند؛ به همین دلیل اقلیت غیر مسلمان در جامعه اسلامی ملزم به اطاعت از حاکم اسلامی هستند.

3. پس از آنکه ولی فقیه توسط نهاد مسئول یعنی مجلس خبرگان به مردم معرفی شد اطاعت از او وظیفه همگانی است و در این میان حتی فقیه خبره نیز نمی تواند به استناد علم و تشخیص شخصی خود از اطاعت حاکم اسلامی سرپیچی کند.

تقریر اولین جلسه فقه سیاسی استاد ایزدهی در ادامه تقدیم می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب الهنا و طيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد. اللهم صل على محمد و آل محمد.

خطابات قرآنی؛ شمول نسبت به غائبین

در قرآن کریم هفتاد و نه مورد خطاب «یا ایها الذین آمنوا» وارد شده است. امام خمینی ره بحثی درباره خطابات قانونی دارد و در این زمینه قائل است که خطابات شارع به افراد جامعه منحل نمی شود و شامل همه می شود؛ به عبارت دیگر خطاب، انحلالی نیست به گونه ای که برای فرد حاضر ایجاد داعی کند و برای غائب خیر.

بحث در این است که آیا خطابات قرآن مختص موجودین است یا شامل غائبین نیز می شود. خطابات از قبیل «إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ» اگرچه خطاب به پیامبر خداست ولی کلیت و عمومیت دارد؛ همچنانکه می دانیم در خطاب «فاما الیتیم فلا تقهر» مراد، پیامبر نیست یعنی چنین نیست که پیامبر نباید قهر کند و دیگران مجاز به قهر هستند.

قرآن؛ توجه خطاب به غیر

نکته محوری درباره قرآن این است که با توجه به اینکه قرآن کتاب قانون است، **خطابات قرآنی خطاب خارجی نیست و اختصاص به زمان یا فرد معین ندارد بلکه برای همه افراد و برای همه زمانها است.**

با این حال می دانیم در بعض آیات شریفه مخاطب قرآنی فرد یا گروه خاص است؛ با توجه به نکته پیشین، تعمیم خطاب به سایر افراد چگونه قابل توجیه است؟ آیا برای غیر از این فرد نیاز به یک دلیل دیگر داریم؟ چنانکه از آن به عنوان متمم و قاعده اشتراک در احکام یاد می شود؛ یا اینکه نفس دلیل کفایت می کند و همین که خطاب می فرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول»، هم شامل ما و هم شامل دیگران است؟

خطاب و ایصال؛ دوگانگی یا وحدت

(1) نظر اول

مرحوم آخوند صاحب کفایه در تعریف خطاب، خطاب را ایصال کلام به غیر می داند به وجهی که مخاطب التفات داشته باشد؛ بنا به این تعریف اگر فرضاً کسی اینجا باشد و به او بگوییم برو نماز بخوان، اگر او ملتفت نباشد و حواسش در جای دیگری متمرکز باشد، کلام اصلاً به او ایصال نمی شود.

(2) نظر دوم

آیت الله مکارم - حفظه الله - اجمالاً قائل به امکان خطاب بدون ایصال فعلی است؛ مثل اینکه کسی به نسل آینده وصیت می کند و این وصیت به او ایصال می شود اگرچه در حال حاضر هنوز موجود نیست، همچنانکه امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در نامه به حسن بن علیهما السلام می فرماید: «وَصِيكُمَا وَ جَمِيعِ وَلَدِي وَ اَهْلِي وَ مِنْ بَلْغَةِ كِتَابِي...»؛ حضرت در این وصیت به حسن بن علیهما السلام و فرزندان خود که در آینده خواهند آمد خطاب فرموده است.

نقد دو نظر؛ قول مختار

الف. بر خلاف نظر آخوند ره، به عقیده ما **ایصال لازمه خطاب نیست بلکه خود خطاب مشتمل بر ایصال است؛** چون لازمه خطاب همان رو در رو بودن است و ممکن نیست خطاب واقع شود و کلام ایصال نشود.

ب. به عنوان نقد بر نظر دوم نیز می گوییم: به عقیده ما **خطاب در اصل همان مشافهه، گفتگوی متقابل و کلام رو در رو است؛** مخاطب انسان باشد یا حیوان یا جماد. در خطاب حتی امور اعتباری هم می تواند لحاظ شود؛ چنانکه می فرماید: «يَا دَهْرُ أَفِي لَكَ مِنْ خَلِيلٍ» که دهر مورد خطاب است.

اشکال و جواب

اشکال؛ شما معنای خطاب را تغییر داده اید؛ یعنی آنها خطاب را کلامی با ایصال به غیر دانسته اند ولی شما خطاب را «کلام مع الغير مشافهه» معنا می کنید.

جواب؛ دیگران ایصال را دخیل در تعریف خطاب دانسته اند ولی به عقیده ما ایصال داخل در ذات خطاب است. ممکن نیست کلام مشافهتاً صادر شود ولی در آن ایصال نباشد. ایصال در هر حال وجود دارد ولو مجازاً. وقتی می گوییم ای خدا، خدا را در مقابل خود فرض می کنیم؛ اما اینکه کلام به او می رسد یا نه، غیر آن مد نظر نیست بلکه کلام را می گوییم تا به مخاطب برسد و غرض از صدور کلام رسیدن به آن است.

نکاتی در خطاب و ایصال؛ قول مختار

- الف.** کلام اگر به نحو مکتوب باشد هر کسی که آن را بخواند به او ایصال می شود.
- ب.** گاهی صدور کلام به گونه ای است که اصلاً صدور آن برای رسیدن وایصال است؛ چه مخاطب حاضر باشد و چه غائب. مثال برای مخاطب غائب مانند اینکه گفته شود: «مردم ایران باید مالیات بدهند».
- ج.** گاهی غرض از کلام خطاب نیست ولی ایصال به غیر هست؛ مثل اینکه در روزنامه مطلبی برای عموم نوشته شود.
- د.** به عقیده ما خطاب چون به صورت مشافهه است و لازمه آن حضور مخاطب نزد متکلم است بطور طبیعی و خواه ناخواه به متکلم خواهد رسید. اصل در خطاب رو در رویی و مواجهه است و تلقی متکلم این است که کلام خود را به مخاطب رسانده است. خلاصه اینکه در خطاب، مخاطب ممکن است حاضر باشد یا غائب ولی در هر حال کلام به مخاطب می رسد.

معرفه و نکره؛ نظری نو

در ادبیات در بیان اقسام معاریف و در شناخت اقسام معرفه و نکره ضمائ را معرفه می دانند. **به نظر ما ضمیر غائب را نمی توان معرفه دانست بلکه این ضمیر مخاطب است که معرفه است** چون تنها در تخاطب است که متکلم شخص مخاطب را می بیند؛ مثل ضمیر اشاره «أنت».

در ضمیر غائب اگر مرجع ضمیر معرفه باشد می توان ضمیر را معرفه دانست و اما اگر مرجع ضمیر نکره باشد ضمیر نیز نکره است؛ مثلاً می گوئیم: «رأیت زیداً و أكرمه»؛ در اینجا چون ضمیر غائب متصل «ه» به جای زید است و زید معرفه است می توان ضمیر را نیز معرفه دانست.

خلاصه اینکه تنها ضمیر مخاطب را می توان معرفه دانست و ضمیر مخاطب هم به اعتبار اشاره معرفه است. مخاطب به این خاطر معرفه است که نسبت به آن تشافه و خطاب وجود دارد.

بنابراین تعریف خطاب به «ایصال کلام نحو الغیر» شامل غائب هم می شود. ذات خطاب معرفه بودن و قریب بودن است ولی ذات ضمیر چنین نیست و ممکن است ضمیر قریب باشد اما معرفه نباشد و یا الان وجود نداشته باشد؛ از همین رو در عبارت «یا دهر اف لك من خلیلی»، دهر معرفه است به این خاطر که مورد خطاب قرار گرفته است. به هرحال چون در تخاطب فرض بر این است که طرف کلام نسبت به ما قریب است ایصال مفروض است ولو مجازاً.

نوع خطاب در آیات قرآنی

آیا در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم» خطاب فقط به مؤمنان است یا اینکه یک خطاب قانونی فراگیر است؟

الف. اگر خطاب فقط به مؤمنان باشد بیانگر رابطه مقلد و مرجع تقلید است؛ یعنی آنها که مقلد هستند مثلاً نماز بخوانند و آنها که ولی فقیه را قبول دارند مالیات بدهند و تابع فرامین و احکام حکومتی باشند. به این ترتیب وظیفه کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند نیز معلوم می شود و آنها آزادند و الزامی به

تبعیت از فرامین حکومتی ندارند. واضح است که در این صورت سنگ روی سنگ بند نمی شود! و در جامعه هرج و مرج بروز می کند.

با این فرض در جامعه مدینه در صدر اسلام چون مخاطب آیه شریفه فقط جامعه مؤمنان است، یهود و کفار و منافقین الزامی به اطاعت از رسول خدا نخواهند داشت.

این در حالی است که در فرهنگ سیاسی ما علاوه بر مسلمانان، کفار و غیر مسلمانان نیز که در جامعه اسلامی زندگی می کنند می بایست از ولی فقیه اطاعت کنند و این غیر از تکلیف آنها نسبت به فروع دین است؛ چون در مورد التزام کفار به فروع دین گفته می شود که کفار ابتدا باید مسلمان شوند و سپس چون مسلمان هستند ملزم به انجام تکالیف دینی هستند ولی در مورد اطاعت از ولی فقیه، همچون شهروندان مسلمان در هر حال وظیفه اطاعت دارند.

ب. خطاب «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم» اگر مخاطب آن تمام حاضرین باشند و نه فقط مؤمنان، در این صورت همه افراد حاضر جامعه - اعم از مسلمان یا کافر - ملزم به اطاعت از حاکم هستند.

ج. اگر مخاطب آیه شریفه فقط مؤمنان باشند برای اثبات الزام کفار به اطاعت، نیاز به یک متمم داریم و آن متمم، قاعده اشتراک است. بنا به این قاعده، احکام در جامعه برای همه مردم مشترک است و کافر نیز همچون مسلمان ملزم به اطاعت است.

به عبارت دیگر خطاب «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا» اگرچه فقط خطاب به مؤمنان است ولی چون مومنین اکثریت جامعه اسلامی را تشکیل می دهند و در یک جامعه نیز نمی توان دو حاکم فرض کرد لذا حکم اکثریت جامعه بر اقلیت جامعه نیز بار می شود.

سوال و جواب؛ لزوم اطاعت همگانی از حاکم مشروع

سوال؛ اگر یکی از شهروندان حاکمی را که اکنون به عنوان ولی فقیه جامعه شناخته می شود فاقد صلاحیت لازم بداند و به عقیده او ولایت از آن دیگری باشد، آیا باز هم ملزم به اطاعت از حاکم است؟

جواب؛ پس از آنکه مجلس خبرگان فردی را به عنوان ولی فقیه معرفی کرد اطاعت از او بر همه لازم است حتی بر شخصی که عقیده دارد حاکم فعلی فاقد صلاحیت است؛ چه این شخص از شهروندان معمولی جامعه باشد و چه اینکه خود از خبرگان جامعه باشد. دلیل لزوم اطاعت همگانی این است که عدم اطاعت منجر به هرج و مرج می شود.

تکرار؛ خطاب در آیه شریفه

فرض کنید در یک جمع صد نفره فقط ده نفر زن و مابقی مرد هستند. در اینجا کل جمع را می توان با خطاب «ای آقایان» مخاطب قرار داد؛ یعنی اکثریت مرد را به همه جمع تعمیم داد. در این حالت زنان حاضر نمی توانند خود را غیر مخاطب بدانند.

خطاب در آیه شریفه هم از همین سنخ است یعنی همه افراد جامعه را با «یا ایها الذین آمنوا» مخاطب قرار داده است؛ چون اکثریت مؤمن هستند. در واقع قرآن کریم مخاطب یعنی اهل ایمان را به همه جامعه تعمیم داده است؛ بنابراین اگرچه مخاطب مؤمنین هستند اما حکم اطاعت شامل همه افراد می شود؛ یعنی خطاب یک خطاب قانونی است و برای همه لازم الاجرا است. البته باید متذکر شد در تمام بحث ما فرض این است که حاکم، حاکم مشروع است؛ یعنی جامعه مورد بحث یک جامعه ایمانی است و حاکم و اولوالامر، امام یا جانشین امام است.

ویژگی خطابات قانونی

در خطابات قانونی کل جامعه مخاطب است و اگرچه به ظاهر کلام ممکن است حمل بر بخش اکثریت شود؛ به عنوان مثال وقتی گفته می شود: «ای جامعه مسلمان مالیات بدهید»؛ مراد این نیست که غیر مسلمانان لازم نیست مالیات بدهند بلکه منظور کل جامعه است و گروه اکثریت مسلمان را به کل جامعه تعمیم داده است.

در واقع اگر وصف مشعر به علّیت باشد و تأثیرگذار در حکم باشد یا بخشی از آن باشد در این صورت در خطابات که دارای وصف است، خطاب منحصر به گروه موصوف می شود و در این صورت مراد از خطاب «ای جامعه مسلمان مالیات بدهید» همه جامعه نیست و فقط مسلمانان است و به همین ترتیب در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا» خطاب فقط مؤمنین را شامل می شود؛ یعنی چون چون ایمان دارید باید اطاعت کنید.

از سوی دیگر می توان گفت این خطاب همه مخاطبین را در ادوار آینده شامل می شود.

شمول خطاب آیه نسبت به کفار

به سه بیان می توان گفت خطاب قرآنی در آیه شریفه شامل غیر مؤمنین نیز می شود.

الف. قاعده تغلیب؛ می توان گفت خطاب «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم» با توجه به قاعده تغلیب شامل کفار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله هم می شود.

ب. متمم یا قاعده اشتراک؛ یا اینکه بگوییم نمی توان این آیه شریفه را به اعتبار قاعده تغلیب متوجه کفار دانست بلکه توجه خطاب به کفار نیازمند یک متمم است و آن اینکه جامعه تنها یک حاکم دارد و دو گونه خطاب نیز نمی توان جعل کرد در نتیجه خطابی که برای اکثریت صادر می شود برای عموم به اعتبار قاعده اشتراک در تکلیف صادق است.

ج. قاعده استناد؛ وجه دیگری برای اثبات لزوم اطاعت اقلیت نسبت به احکام حکومتی وجود دارد و آن قاعده استناد است که پیش از این به تفصیل بیان شد. در جامعه امروزی نیز شهروندی بر اساس مرزهای جغرافیایی است و هر که درون مرز جغرافیایی یک کشور باشد مخاطب به قوانین آن کشور است نه اینکه خطاب قوانین تنها گروه یا افراد خاصی از جامعه باشد.

(بنا به قاعده استناد، هرگاه حاکمیت در نتیجه بیعت مردم و یا خواص آنها - یعنی خواصی که مردم در انتخاب خود دنباله رو آنها هستند - به جامعه مستند شود، حاکمیت حاکم مقتصر به گروه خاصی نمی شود بلکه کل جامعه را دربرمی گیرد و عموم مردم با هر عقیده و طرز فکری ملزم به اطاعت از حاکم هستند.)

خلاصه اینکه اگر خطاب را در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا...» خطاب ایمانی بدانیم و قاعده تغلیب را در اینجا حاکم ندانیم، نمی توان شمول حکم اطاعت را نسبت به همه شهروندان نتیجه گرفت و برای اثبات چنین مدعایی باید به قاعده اشتراک یا قاعده استناد متوسل شد.

خطابات قرآنی؛ یک احتمال

این احتمال وجود دارد که در بسیاری از خطابات قرآنی اگرچه خطاب مقید به ایمان است اما مخاطب آن همه افراد جامعه است؛ یعنی جامعه آن مؤمن هستند و اقلیت به اعتبار مؤمن بودن اکثریت جامعه، در خطاب نادیده گرفته شده اند. در خطابات عرفی هم چنین خطابات وجود دارد؛ یعنی ولو اینکه ظاهر کلام گروه خاصی هستند ولی در حقیقت تعمیم دارد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آل محمد

تقریر: جلال الدین زنگنه/223/907/م